



عباسعلی کدخدایی:

ضعف اطلاع‌رسانی را می‌پذیریم

گروه سیاست: در های اتاق کنفرانس خبری شورای نگهبان که باز شد، این‌بار عباسعلی کدخدایی بود که از در وارد می‌شد، نه نجات‌الله ابراهیمیان. صدای شاعر ممتد دوربین عکاسان بهتر نشان می‌داد که از آخرین عکس‌های کدخدایی در این اتاق، سه سال گذشته است. کدخدایی هشت سال سخنگوی شورای...

صفحه ۶

یکشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۵ • ۱۹ شوال ۱۴۳۷ • ۲۴ جولای ۲۰۱۶



به‌سوی آفریقا

گروه سیاست: دولت یازدهم بعد از موفقیت در عرصه هسته‌ای با فراغ بال توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با دنیا را در دستور کار قرار داده است و از همین‌روست که در ماه‌های اخیر دستگاه دیپلماسی یا میزبان هیأت‌های خارجی بوده یا راهی مقصدی. قاره آفریقا نیز یکی از مقاصد است...

صفحه ۷

سال سیزدهم • شماره ۲۶۳۸ • ۲۰ صفحه • ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

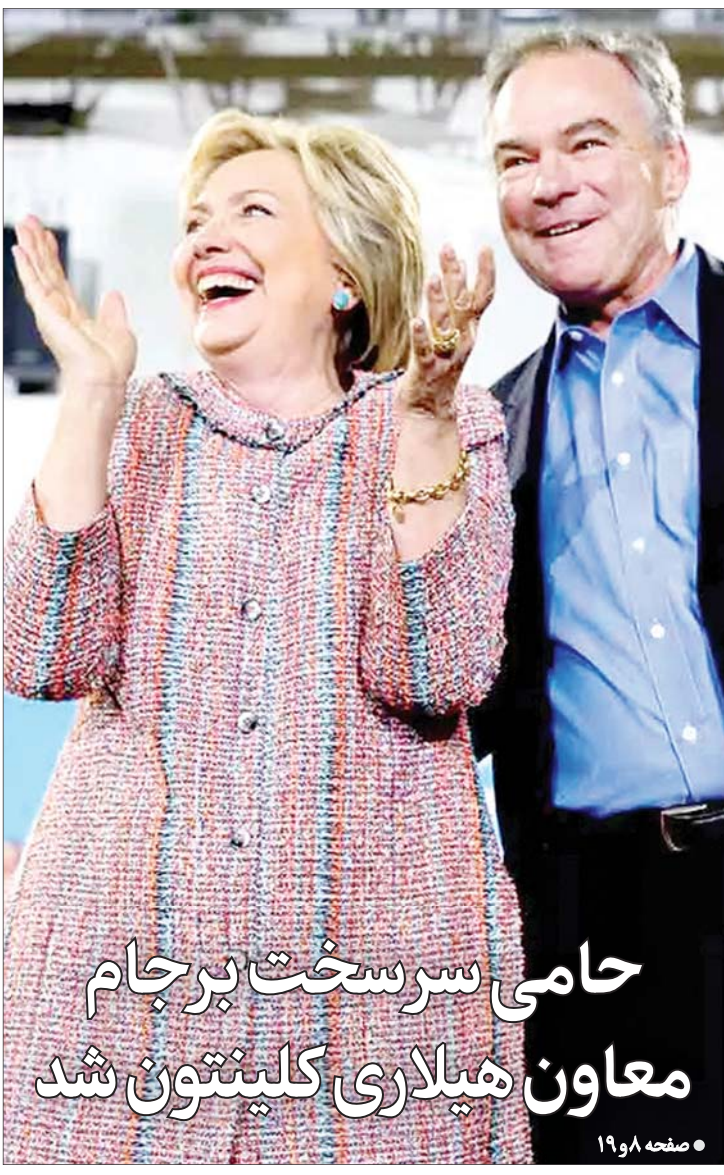
ماکیاولیسم در امور شغلی

مرتضی مریدیها، پژوهشگر



اخیرا به‌واسطه حوادثی چند، پزشکان و حرفه پزشکی موضوع نقد و همه و حتی اهانت صریح و نیز البته حمایت، گاهی با شیوه‌های غیردموکراتیک، قرار گرفته‌اند. مقصود من از این نوشته قرارگرفتن در یکی از این دو موضع حمله/دفاع نیست؛ بلکه سر آن دارم که موضوعی را که سال‌ها قبل در کتاب «دفاع از سیاست» عنوان کردم به یاد آورم و این مسئله را در ترازوی آن بسنجم. در آنجا به مناسبت بحث از ماکیاولی و آنچه به رفتار ماکیاولیستی یا به تعبیر روشن‌تری بی‌اخلاقی ماکیاولیستی، مشهور بوده است، گفتم ماکیاولیسم در معنای متداول و متعارف (یعنی فارغ از دقایق علمی راجع به مقصد و منظور نویسنده کتاب شهیار در حوزه سیاست کلان و در بافتار خاص دوره‌ای خاص و بحث‌های باریکی که در این مورد مطرح بوده است) چیزی نیست که به سیاست و سیاست‌مداران اختصاص داشته باشد. اشاره کردم که ماکیاولیسم در این معنا که هنگامی که کسی موانعی در پیش‌روی خود دارد به تفاریق، مقادیری زور و تزویر چاشنی آن کند تا از آن موانع عبور کند، یا بالاتر از این، به شکلی نظام‌مند روال عمومی رفتار خود را به درجاتی از این کاتالیزورها درآمیزد، نه‌فقط کشف آن فیلسوف فلورانس‌سی عهد رنسانس نیست، بلکه تا حدود زیادی نوعی رفتار غریزی در عموم انسان‌هاست. البته شک نیست که انسان‌ها در پیشبرد امور غریزی خود هم، بسته به میزان هوش و تجربه و برخی متغیرهای دیگر، تفاوت‌هایی از خود بروز می‌دهند و مثلاً در همین موضوع مورد بحث ما معدل رفتاری جامعه پزشکان با معدل رفتاری جامعه کارگران فرق دارد، اما گویا این فرق بیشتر ناظر به درجه است تا به اصل رفتار. یکی از جلوه‌های ماکیاولیسم (که همان‌طور که گفتم ربطی به ماکیاولی ندارد و به‌طورکلی چیزی هم نیست که «به‌احتی» موضوع نقد اخلاقی باشد، دست‌کم به این دلیل که در قاطبه آدمیان ولو به تفاریق وجود دارد) در حوزه امور شغلی است. معمولاً هر کسی در شغل خود، علاوه بر عنصر مشغولیت، انتظار درآمد بیشتر و کار راحت‌تر دارد و این اغلب ملازم درجاتی از بی‌کم‌مسئولییتی یا دروغ و تقلب است. در بعضی مشاغل این اوصاف شهرت بیشتری داشته است و شاید وجود بیشتری هم داشته باشد، اما گاهی به نظر می‌رسد در این خصوص افراط و تفریط‌هایی هم صورت می‌گیرد. مثلاً کارمندانی که با مراجعه‌کننده سروکار دارند به بی‌مسئولییتی و دلالتان به دروغ و بسازبفروش یا به تقلب شهره‌اند. از سوی دیگر گاهی چنین به نظر می‌آمده که مشاغلی مثل پزشکی و وکالت کمتر به این موارد آلوده‌اند یا از صاحبان آنها کمتر انتظار می‌رود این‌گونه باشند. گاه چنین می‌نماید که خود اهالی این حرفه دسته اخیر هم در القای چنان تصویر و تصویری از خود بی‌علاقه نبوده‌اند. برخی سریال‌های تلویزیونی قدیمی (همچون «دکتر بعد از این» یا «دانشجوی حقوق»، «دوبله و پخش‌شده در اوایل آمدن تلویزیون» به ایران) نیز به‌وضوح، نشانه کلاسیک بودن چنین نگاهی و چنین انتظاری است. شک نیست که از پزشکان و وکلای و استادان دانشگاه و نظایر اینها به دلیل معدل فرهیختگی بیشتر و هم به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع کار آنان (سلامتی، مال، آبرو، تعلیم و تربیت) انتظار می‌رود انگیزه‌های «صریح» مادی و بی‌توجهی عافیت‌طلبانه کمتری در کارشان باشد. اما چه میزان از چنین انتظاری واقع‌بینانه است؟

ادامه در صفحه ۴



حامی سرسخت برجام معاون هیلاری کلینتون شد

• صفحه ۱۹ و ۸

یادداشت، فرهنگ

میراث احمد شاملو



عبدالله کوثری

پاسخ داده شود، آن‌گاه دست‌کم معنای زبان امروز معلوم می‌شود و می‌توان درباره‌اش بحث کرد. آیا در زبان امروز، شعر نیما و شاملو و نثر گلشیری و آل‌احمد هم جای می‌گیرد یا نه، یا زبان امروز فقط آن چیزی است که جوانان زیر سی سال ما در این سال‌ها با آن نوشته‌اند؟ بنابراین مشکل امروز ادبیات ما این است که شخصت، هفتاد سال شعر و نثر معاصر ما را انکار کرده‌اند و حالا حاصل آن را می‌بینیم، ای‌کاش می‌شد از مترجمی اسم ببرم که دوازده کتاب هم ترجمه کرده اما وقتی حاصل کارش را می‌خوانم از خودم می‌پرسم این را چگونه می‌توان زبان فارسی نامید! این نتیجه تلاش بیمارگونی بوده برای فقیرکردن زبان فارسی. دلیل این اتفاق را نمی‌دانم اما شما ترجمه‌های دهه چهل را با ترجمه‌های امروز مقایسه کنید و غنای وازگانی آن‌ها را با هم بسنجید. آیا زبان بیضایی در «مرگ یزدگرد» و زبان شاملو زبان امروز است، یا زبانی که در این چند سال رواج یافته که از آوردن چهار صفت درست هم عاجز است، متأسفانه ما ما دیگر به درد امروز نمی‌خورد. این تصور ناشی از آن است که در این سال‌ها عده‌ای، و ازجمله برخی از هم‌نسلان من، به انکار «زبان» برخاسته‌اند. امروز چیزی ابداع کرده‌اند که هنوز هم کسی معنایش را نمی‌داند و آن «زبان امروز» است. می‌گویند می‌خواهیم داستان‌ها و شعرهایمان را به زبان امروزی بنویسیم. اما کسی نمی‌گوید ویژگی‌های زبان امروز چیست، و اصلاً امروز چه وقتی است، آیا همین بیست‌وچهار ساعت اخیر است، یا این ده‌سالی است که عده‌ای شروع به نوشتن کرده‌اند، و با کلیت ادبیات معاصر ماست؟ اگر این پرسش‌ها قرار نیست امروز به زبان شاملو بنویسیم اما نباید روی او خط بکشیم. زبان شاملو مگر چیست که کنار رفته باشد؟ ترکیب استادانه‌ای است از میراث زبان فارسی با زنده‌ترین واژه‌هایی که امروز به‌کار می‌رود. عجیب است که تازه شانزده سال از مرگ او گذشته و ما روی او خط می‌کشیم. امروز آن‌چنان در ادبیات پیش می‌رویم که هر ده سال یک زبان جدید برای ادبیات‌مان ابداع می‌شود. من فکر می‌کنم امروز نه‌فقط زبان شاملو که زبان خاقانی هم زنده است. زبان هیچ شاعر و نویسنده بزرگی از بین نمی‌رود بلکه به میراث زبانی ما کمک می‌کند. از مهم‌ترین مشکلات ادبیات ما این است که تصور می‌کنیم جامعه ما هر ده سال چنان عوض می‌شود که شعر شاعران و نویسندگان بزرگ ما دیگر به درد امروز نمی‌خورد. این تصور ناشی از آن است که در این سال‌ها عده‌ای، و ازجمله برخی از هم‌نسلان من، به انکار «زبان» برخاسته‌اند. امروز چیزی ابداع کرده‌اند که هنوز هم کسی معنایش را نمی‌داند و آن «زبان امروز» است. می‌گویند می‌خواهیم داستان‌ها و شعرهایمان را به زبان امروزی بنویسیم. اما کسی نمی‌گوید ویژگی‌های زبان امروز چیست، و اصلاً امروز چه وقتی است، آیا همین بیست‌وچهار ساعت اخیر است، یا این ده‌سالی است که عده‌ای شروع به نوشتن کرده‌اند، و با کلیت ادبیات معاصر ماست؟ اگر این پرسش‌ها

زنگ زد. از جا پریدم. منگ خواب، حتی نمی‌دانستم کجا هستم. زنگ چهارم که خورد گوشی را برداشتم. محمد بهارلو بود. با هق‌هق گریه گفت: اکبر... شاملو... شاملو رفت... شاملو مُرد... وای چه مصیبتی... وای... . گفت که دکتر پارسا به‌اش خبر داده. دلداری‌اش دادم و گوشی را گذاشتم. یخ زدم. فضای ادبی ما نیز شاید از همان روزها یخ زد. روزبه‌روز فاصله‌ها بیشتر شد، واگرایی‌ها رفته‌رفته عیان شد و هرروز در عرصه فرهنگ بیشتر ریشه دواند. اصلاحات یک دوره دیگر دوام آورد و بعد هشت سال دوران غریب فرهنگ، غالب کتاب‌های شاملو جز چند دفتر شعر، یکباره از پشت ویرتین کتابفروشی‌ها غایب شد. حتی کتاب کوچک او، جلد مربوط به حرف «ج» دوازده سال ناقابل پشت به بسته ماند. گرچه چندی است که در سایه اعتدال بیشتر آثرا و به قامت کتاب نشست‌ه‌اند. از دفتر شعرها، ترجمه‌ها، سفرنامه‌ها و اخیراً هم نامه‌ها و همین جلد چ کتاب کوچک. اما ما هم‌چنان دوره می‌کنیم شب را و روز را و هنوز را. هنوز در سالمرگ او گرد می‌آیم چند تنی، و بعد پراکنده می‌شویم تا سال دیگر. از سوگواران حاضر دیروز بر مزار شاملو. جز خیل مردمان مشتاق شعر و «شاعر» می‌توان چهره‌هایی چون محسن حکیمی، اکبر معصوم‌بیگی، فریبرز رییس‌دانا، حافظ موسوی، علی باباچاهی، پرویز بابایی و قاسم روبین را نام برد. محسن حکیمی، مترجم و از همراهان و هم‌نسلان احمد شاملو در گفت‌وگو با «شرق» احمد شاملو را «مطرخ‌ترین شاعر معاصر» ایران خواند و گفت: «آنچه شاملو را به چهره‌ای مطرح بدل کرد، جنبه آزادی‌خواهانه نظرات او بود. جنبه‌ای که در شعر او نیز جایگاهی برجسته دارد.» حکیمی، شاملو را شاعری توانمند «مردن و آزادی‌خواه» می‌داند و همین دو وجه را عامل شهرت شاعر. «دو چیزی که جای آنها در فرهنگ ما خالی است و تقاضا و خواست این هر دو در میان مردم بسیار.» در نظر او چهره‌هایی که واجد این خصوصیات باشند، در هر دوره در سالمرگ شاعر روایتی از روز مرگ او را منتشر کرد. «سال ۱۳۷۹، ۳ مرداد، ساعت یک‌ربع به صبح ۴ تلفن

گروه فرهنگ، شیمیا بهره‌مند: «...گورستان از جمعیت موج می‌زد. بعضی‌ها از تیرهای چراغ برق آویزان شده بودند با روی مخزن بزرگ آب گورستان بی‌توته کرده بودند: تشییعی باشکوه برای شاعری با شجاعت و بزرگ. تشییع جنازه نبود، جشنواره شعر و شادی و آزادی بود.» سالیانی از آن روزها می‌گذرد. شانزدهمین سالمرگ احمد شاملو. شاعر شادی و آزادی هیچ تفاوتی با دیگر سالمرگ‌های شاعر ندارد، ما همچنان «دوره می‌کنیم/ شب را و روز را / هنوز را...». اینک که بیش از سه پنج سال از مرگ این شاعر افسانه‌ای می‌گذرد هنوز شاملو، تن به نوشته‌شدن نمی‌دهد. زندگینامه‌ای کامل، بی‌خیل و یکدست نمی‌توان از او ارائه داد. حتی نمی‌توان او را تنها در قالب «شعر» نشان داد و از روزگار کار او در ادبیات قدیم و تصحیحات و پژوهش‌ها و کاری چون «کتاب کوچک»، نوشتن در مبدیوم مطبوعات و نقش مهم و جریان‌ساز او در پاک‌کردن نشریات ادبی گذشت. به هر تقدیر امسال نیز، در روز دوم مرداد، جمعی از اهالی ادبیات و فرهنگ بر سر مزار این شاعر در امامزاده طاهر گرد آمدند تا به حد وسع و امکان خود قدر شاعر را به‌جا آورند و دست‌کم با خاطره‌اش، «جمعی» بسازند. مراسم دیروز به شعرخوانی و خواندن بیانیه‌ای گذشت که کوتاه بود و در همین مجال هم جای خالی شاعر/ روشنفکری همچون شاملو را یادآور می‌شد. سالیانی است که در غیاب بزرگان ادب که یا رفته‌اند و یا کنج خلوت اختیار کردند و پراکندند، همه چیز به همین دیدوبازدیدها آن‌هم بر سر مزار و در سوگ ختم شده است. اتفاق اما جای دیگری است. درست چند قدم آن‌طرف‌تر شاید، جایی در ذهن مخاطب و ناقدان معاصر شاملو، یا حتی در دست‌نوشته‌ای که از او برجا مانده است یا در حرف «ج»، آخرین حرفی که در کتاب کوچک درآمد و البته در میان یادداشت‌های روزانه رفیق قدیم، که امسال در روز مرگش منتشر شد و جز به‌جز رفتن او را روایت کرد. اکبر معصوم‌بیگی، مترجم و دوست سالیان شاملو، امسال در سالمرگ شاعر روایتی از روز مرگ او را منتشر کرد. «سال ۱۳۷۹، ۳ مرداد، ساعت یک‌ربع به صبح ۴ تلفن



روایت پرویز پرستویی از ناصر تقوایی «تقوایی» چرا دیگر فیلم‌ن ساخت

صفحه ۱۴

تأیید نمی‌کنم

صفحه ۲

گزارش «شرق» از جلسه دادگاه عیسی سحر خیز

صفحه ۱۹

بازار سیاه «آپل»

صفحه ۵

چند کانتینر چراغانی چینی

صفحه ۱۷



ابتکاری برای پایان احتکار اطلاعات گفت‌وگو با هادی خانیکی صفحه ۶

حرف اول

جان دیویی در زندان قصر

امیر کورنگی، رئیس سابق زندان قصر



مدیریت محترم روزنامه «شرق» توفیق جناب‌عالی و کارکنان محترم روزنامه را از خوانند مسئلت دارم. در روزنامه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ شرحی تحت عنوان «حبس‌زدایی یا حبس‌زایی» به قلم حقوق دان محترمی درج شده. از اینکه یک شخصیت حقوقی مسئله زندان را مطرح کرده‌اند، خوشحال شدم. بنده از مدت خدمت طولانی خود در دستگاه انتظامی، بیش از ۱۰ سال را با طب‌خاطر و علاقه خاص در خدمت زندان و زندانیان بودم. با مختصری که از جرم، مجرم و مجازات در دانشکده حقوق و پلیس آموخته بودم، خدمت در زندان و به زندانی را نوعی عبادت می‌دانستم. زیرا هیچ‌یک از انواع خدمات انتظامی قداست و اهمیت خدمت در زندان را ندارند، اگرچه نام زندان با نوعی کراهت همراه است، ولی در کدام یک از خدمات اجتماعی، شما می‌توانید با یک نوید هرچند اجتماعی، ناامیدی را امیدوار کنید.

در چه شرایطی می‌توانید با اجازه یک دیدار، پدر و مادر و فرزندانی را از نگرانی خارج کنید که می‌دانیم رضای خلق موجب رضای خالق است. در این شرایط اندوخته معنوی انسان چه میزان است؟ در مسئولیت زندان از این طریاف فراوان است درعین‌حال خدمت در زندان اگر با علاقه و به دلیل خدمت به انسان‌های نیازمند خدمت نباشد، کسل‌کننده است. اگر حمل بر خودستایی نشود، می‌گویم به طول سال‌ها خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند، موجب آرامش خاطر آنها و ما بوده. درعین‌حال سعی در تدارک امکانات برای آموزش علمی و حرفه‌ای زندانیان داشتیم. از تحقیر زندانی مطلقاً خودداری کردیم. راه تحصیل معاش شرافتمندانه به آنها آموخته شد. آمار جرائم در زندان‌ها به حداقل رسید و بسیاری از زندانیان پس از آزادی دیگر زندانی نشدند، اما زندان‌ها به نسبت جمعیت کشور متعادل بود. خدمت در زندان، هیچ‌گاه حرمت انسان‌ها را دست‌خوش سلیقه نکردیم. تکریم و احترام به انسان‌هایی که به‌هرحال به دلایلی در زندان بودند